

170-56

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

56

Case No. 170Date of filing: 24 July 89

** AWARD - Type of Award Interlocutory
- Date of Award 24 July 89
_____ pages in English 10 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

INTERLOCUTORY AWARD

Case No. 170

Chamber Three

پرونده شماره ۱۷۰

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۷۰-۷۰ آی.تی.ال.

English version

Filed on 16 JUN 1989

نسخه انگلیسی در تاریخ ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۸
ثبت شده است.

ناھید (دانیال پور) همت،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	24 JUL 1989
	تاریخ ۲ / ۵ / ۱۳۶۸

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

قرار اعدادی

اول - جریان رسیدگی

۱ - در ۲۷ آذرماه ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] ناهید (دانیال پور) همت ("خواهان") دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") به دیوان تسلیم و طی آن بابت سلب مالکیت ادعایی در اوایل سال ۱۹۸۰ از علایق مالکانه خود در شرکت سهامی کارخانجات بافندگی سنکور ("سنکور") و اموال غیرمنقول مختلف در ایران مبلغ -/۳۲۶،۰۶۵،۸۱ دلار آمریکا مطالبه نمود. ایران در تاریخ دهم خردادماه ۱۳۶۱ [۳۱ مه ۱۹۸۲] لایحه دفاعی خود را به ثبت رساند.

۲ - خواهان ادعا می‌کند که تبعه ایالات متحده است. ایران اظهار می‌دارد که خواهان به دلیل آنکه پدر وی ایرانی است طبق قوانین ایران، تبعه ایران می‌باشد و لذا حق طرح دعوی نزد این دیوان را ندارد.

۳ - دیوان در تاریخ چهارم تیرماه ۱۳۶۱ [۲۵ ژوئن ۱۹۸۲] به طرفین دستور داد که لوائح خود را درخصوص مسایل موضوعی و حقوقی مربوط به تابعیت مضاعف ادعایی خواهان به ثبت رسانند. خواهان در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۶۱ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۲] در پاسخ به دستور مذکور، اظهاریه مقدماتی و مستندات خود را به ثبت رساند. ایران در همان تاریخ لایحه خود را در موضوع تابعیت خواهان ثبت کرد.

۴ - در تاریخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، دیوان عمومی تصمیمی در پرونده شماره الف ۱۸ صادر کرده در آن نظر داد که دیوان "صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ / ۲۹ دیماه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده است". تصمیم شماره ۳۲-الف ۱۸- دیوان عمومی، ص ۱۹، (منتشره در 251, 265 Iran-U.S. C.T.R. 5).

۵ - در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان طی صدور دستوری از خواهان درخواست کرد که کلیه ادله و مدارک کتبی را که مایلست دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر وی مورد بررسی قرار دهد به ثبت رساند. خواهان در تاریخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۴ [دوم سپتامبر ۱۹۸۵] به دیوان اطلاع داد که قصد دارد برای اثبات تابعیت آمریکایی خود به مدارکی که در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۶۱ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۲] تسلیم داشته استناد نماید. دیوان متعاقباً از خواننده دعوت کرد که "کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان در مورد موضوع تابعیت خواهان مورد رسیدگی قرار دهد" به ثبت رساند. دیوان پس از سه نوبت تمدید مهلت اولیه، در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [ششم فوریه ۱۹۸۷] چهارمین درخواست تمدید مهلت ایران را رد کرد و به طرفین اطلاع داد که درنظر دارد به محض آنکه برنامه کار دیوان اجازه دهد، طبق بند ۳ ماده ۲۸ قواعد دیوان، براساس مدارکی که در آن موقع در دست خواهد داشت به شور درباره موضوع صلاحیت در پرونده حاضر بپردازد.

۶ - در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۲ آوریل ۱۹۸۸] ایران لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه دفاعیه درخصوص تابعیت خواهان" تسلیم کرد. در این لایحه ایران خاطرنشان ساخت که خواهان در تاریخ ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده در آمده و در دادخواست خود مدعی شده که سلب مالکیت "در اوایل سال ۱۹۸۰" صورت گرفته است. نسخه‌ای از یک مقاله مندرج در یک روزنامه ایرانی که در آن، مصادره اموال دانیال‌پور در ۲۶ دیماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۰] گزارش شده، ضمیمه دفاعیه است. ایران بدین ترتیب مدعی است که ادعا در ۲۶ دیماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۰] به وجود آمده است و چون در آن موقع خواهان شهروند ایالات متحده نبوده، لذا دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعا را ندارد. به علاوه، ایران استدلال می‌کند که خواهان مدت بیست و یکسال در ایالات متحده زندگی کرده، بدون آنکه نشان دهد که قصد کسب تابعیت آمریکایی داشته است. علاوه براین، ایران استدلال می‌کند که خواهان، به استناد این واقعیت که در چهارم بهمن‌ماه ۱۳۴۱ [۲۴ ژانویه

۱۹۶۳] تولد فرزند خود در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ [۲۳ آوریل ۱۹۶۲] را در کنسولگری ایران در نیویورک به ثبت رسانده، کماکان تبعه ایران باقی مانده است. بنابه اظهار ایران، این امر دلالت بر آن دارد که تابعیت ایرانی خواهان در طول عمر وی تابعیت غالب بوده است.

۷ - در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئیه ۱۹۸۸] خواهان نامه‌ای به دیوان تسلیم نمود و طی آن ضمن اشاره به لایحه ایران از دیوان تقاضا کرد که قبل از دریافت پاسخ وی به دفاعیه خوانده، از هرگونه اقدامی درمورد این پرونده خودداری نماید. در تاریخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۸ [ششم آوریل ۱۹۸۹]، خواهان شهادتنامه‌ای در پاسخ به لایحه مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۲ آوریل ۱۹۸۸] خوانده به ثبت رساند ("شهادتنامه"). در تاریخ ۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۶۸ [۱۱ آوریل ۱۹۸۹]، ایران به ثبت این شهادتنامه اعتراض و از دیوان درخواست کرد که یا آن را رد نماید و یا به ایران فرصت پاسخگویی بدان را بدهد. در تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۲۴ آوریل ۱۹۸۹] خواهان با درخواست ایران مبنی بر اعطای فرصتی برای پاسخگویی به شهادتنامه اعتراض کرد. در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [پنجم مه ۱۹۸۹] ایران درخواست خود را تجدید نمود. نظربه اینکه قرار اعدادی حاضر بر شهادتنامه خواهان مبتنی نیست، دیوان نیازی نمی‌بیند که به تقاضاهای طرفین بپردازد.

دوم - شرح وقایع

۸ - ناهید (دانیال‌پور) همت در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۱۲ [۱۶ آوریل ۱۹۳۳] در ایران از والدین ایرانی زاده شد. وی کودکی خود را در ایران گذراند و در ایران نیز تحصیل کرد. در سال ۱۹۵۸، در سن بیست و پنج سالگی به ایالات متحده رفت. در ۱۱ شهریورماه ۱۳۳۷ [دوم سپتامبر ۱۹۵۸] با یکنفر ایرانی به نام نعیم همت ازدواج کرد و شخص اخیرالذکر در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ [اول مه ۱۹۶۳] به

تابعیت امریکا در آمد. در ۱۱ اسفندماه ۱۳۳۷ [دوم مارس ۱۹۵۹] خواهان به عنوان مهاجر در ایالات متحده پذیرفته شد.

۹ - خواهان ادعا می‌کند که از هنگام ازدواجش، در نقاط مختلف ایالات متحده با شوهرش زندگی کرده است. از زمان ازدواج، شوهر وی بطور مداوم در ایالات متحده کار می‌کرده و محل اقامت آنها در سراسر این مدت بستگی به محل اشتغال وی داشته است. در ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰] خواهان به تابعیت ایالات متحده درآمد و متعاقباً "گذرنامه آمریکایی برای وی صادر شد.

۱۰ - خواهان می‌گوید از هنگامی که در ایالات متحده سکونت گزید، به ایران سفر نکرده است و اضافه می‌کند که کلیه اموالی را که اکنون بر حسب ادعا مصادره شده هنگامی به دست آورد که تبعه ایران بود و در ایران اقامت داشت.

سوم - تصمیم دیوان

۱۱ - دیوان باید ابتدا تعیین کند که آیا خواهان از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده است یا ایران و یا تابعیت هر دو کشور را داشته است. چنانچه دیوان به این نتیجه برسد که خواهان تابعیت هر دو کشور را دارد، آنگاه باید تعیین کند که کدام تابعیت طی دوره ذیربط، تابعیت "غالب و موثر" بوده و در نتیجه باید از لحاظ صلاحیت دیوان در جریان رسیدگی حاضر، تعیین‌کننده شناخته شود. پرونده شماره الف ۱۸، تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ - دیوان عمومی، ص ۱۹، مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251, 265).

۱۲ - از سوابق روشن است که طبق قوانین ایران، خواهان به دلیل محل تولد و نیز

تابعیت پدرش، تبعه ایران محسوب می‌شود. درعین حال، روشن است که نامبرده تبعه ایالات متحده نیز هست. به شهادت گواهی کسب تابعیت خواهان، وی در ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰] به تابعیت امریکا درآمد. بنابراین، خواهان تابعیت هر دو کشور ایران و ایالات متحده را داراست.

۱۳ - بدین‌ترتیب، مساله مهم در اینجا، تعیین تابعیت غالب و موثر خواهانست. دیوان در تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸، نظر داد که چنانچه تابعیت غالب و موثر دارندگان تابعیت دوگانه ایران و ایالات متحده از هنگام به وجود آمدن ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، تابعیت ایالات متحده بوده باشد، دیوان نسبت به ادعاهای این افراد صلاحیت رسیدگی دارد. همانطور که در بالا ملاحظه شد، خواهان تا قبل از کسب تابعیت امریکایی در ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰]، تبعه ایالات متحده نبوده است. بنابراین، هر ادعایی که قبل از آن تاریخ به وجود آمده باشد، از حیطه صلاحیت دیوان خارج خواهد بود.

۱۴ - در دادخواست ادعا شده است که سلب مالکیت در اوایل سال ۱۹۸۰ به وقوع پیوست. در مقاله روزنامه‌ای که نسخه‌ای از آن پیوست دادخواست است، گزارش شده است که اموال دانیال‌پور بدنبال صدور حکم کیفری علیه برادران خواهان، در ۲۶ دیماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۰]، مصادره شده است. در مقاله، همچنین گزارش شده است که "دادگاه پرونده ... را جهت رسیدگی و اظهارنظر نهایی به دادستانی کل انقلاب اسلامی در تهران ارسال داشت". ایران استدلال می‌کند که سلب مالکیت در تاریخ محکومیت کیفری، یعنی ۲۶ دیماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۰] صورت گرفته است. بدین ترتیب، دیوان مسلماً "صلاحیت رسیدگی به دعوا را نخواهد داشت، زیرا که در آن تاریخ خواهان تبعه ایالات متحده نبوده و دعوا به نحو مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی، از تاریخ ایجاد، بطور مستمر متعلق به یک تبعه ایالات متحده نبوده است.

۱۵ - دیوان داوری متذکر می‌گردد که ایران فقط در همین اواخر استدلالات بالا را اقامه نموده و طرفین هنوز در مورد این مساله به طور جامع بحث و استدلال نکرده‌اند و لذا، موضوع هنوز برای تصمیم‌گیری آماده نیست. از اینرو، دیوان مساله تعیین تاریخ به وجود آمدن ادعا را به ماهیت ادعا منضم می‌کند. مع الوصف، دیوان این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که چنانچه صلاح بداند، براساس ادله کتبی تسلیمی طرفین راجع به صلاحیت خود نسبت به تاریخ مورد بحث تصمیم بگیرد. در قرار اعدادی حاضر، دیوان تصمیم خود را محدود به این امر می‌کند که تابعیت غالب و موثر خواهان را بر مبنای این فرض که ادعا پس از ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰] به وجود آمده، تعیین نماید، بدون آنکه این امر خدشه‌ای در رای آتی دیوان نسبت به این مساله وارد آورد.

۱۶ - دیوان در تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸، خاطرنشان ساخت که تعیین تابعیت غالب و موثر یک خواهان مستلزم درنظر گرفتن "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" است. همان مآخذ. در رأی این شعبه در پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۴ قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸]، دیوان مضافاً توضیح داد که "درواقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند".

۱۷ - دیوان اکنون باید ضابطه مزبور را نسبت به واقعیاتی که به دیوان ارائه شده اعمال نماید. سوابق پرونده ثابت می‌کند که خواهان در سال ۱۹۵۹ به ایالات متحده مهاجرت کرده و تاکنون بدون آنکه به ایران بازگردد، در همانجا باقی مانده است. سوابق همچنین حاکی است که شوهر خواهان به طور مداوم در استخدام شرکتهای

امریکایی واقع در ایالات متحده بوده و محل اقامت خواهان در ایالات متحده تابع محل اشتغال شوهرش بوده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که گرچه خواهان خویشاوندانی در ایران داشته، مع‌الوصف، مرکز علایق و منافع و پیوندهای بلافصل خانوادگی وی به مدتی قریب بیست سال قبل از تاریخی که وی مدعی است ادعایش به وجود آمد، در ایالات متحده بوده است. البته، در عین حال از سوابق امر روشن است که خواهان در طول این مدت منحصرًا تبعه ایران بوده و تا ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده درنیامده بوده است.

۱۸ - گرچه به نظر می‌آید که خواهان می‌توانسته چندسال زودتر، تابعیت ایالات متحده را کسب کند، مع‌هذا تا فوریه ۱۹۸۰ به اینکار مبادرت نکرد. بنابراین، مساله‌ای که دیوان باید بدان رسیدگی کند اثر این تاخیر بر تابعیت غالب و موثر خواهانست. شعبه دو در حکم شماره ۲-۲۳۷-۲۰۴ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده لیلا دانش ارفع محمود و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 350 Iran-U.S. C.T.R. 9) اینگونه تاخیر در کسب تابعیت امریکایی را همراه با عوامل دیگر، مساله مهمی تلقی کرده است. در پرونده دانش، شعبه دو خاطرنشان ساخت که "وقتی شخص عمداً تصمیم می‌گیرد موضوع اکتساب تابعیت را به تعویق اندازد و ضمناً در همان مدت هم نتوانسته است به لحاظ تابعیت دیگر خود از ملک مورد اختلاف بهره‌برداری نماید و با نداشتن تابعیت اخیر، چنین استفاده‌ای میسر نمی‌شده است، بار آن طرف در ارائه ادله اثبات دعوی سنگین‌تر است". همان‌مآخذ، ص ۹. در همین اواخر، شعبه حاضر در پرونده مالک تصدیق کرد که "... تاریخ کسب تابعیت ادعایی غالب و موثر درخور توجه خاص است، به ویژه اگر این امر نشان دهد که آن تابعیت در هنگامی به دست آمده که خواهان می‌توانسته پیش‌بینی کند که برای طرح دعوی بابت اموال خود با کسب این تابعیت می‌تواند در وضعیت بهتری قرار گیرد". پرونده مالک، بند ۱۵. معذک، اینگونه تاخیر همانطور که در پرونده مالک مصداق داشت، با ادله و مدارکی قابل توجیه است که نشان دهد

خواهان سالها قبل از کسب تابعیت اکتسابی، تصمیم گرفته بود برای همیشه در کشور محل اقامتش زندگی کند، بدون آنکه بعداً قصد مراجعت به کشور دیگری را که تبعه آن نیز بوده، داشته باشد. همان ماعخذ.

۱۹ - در اینجا، خواهان کسب تابعیت امریکایی خود را سالها به تاخیر انداخت. مع هذا، در طول این سالها، وی صرفنظر از تشریفات رسمی کسب تابعیت، مثل یک شهروند امریکایی زندگی کرده است. وی به مدت بیست سال در نقاط مختلف ایالات متحده، بسته به اینکه شوهرش در کجا مشغول به کار بوده، به عنوان بانوی خانه دار زندگی کرده است. آشکار است که در هنگامی که ادعای خواهان حسب ادعا به وجود آمد، وی کاملاً جذب جامعه امریکا شده بود. این مدت طولانی اقامت در ایالات متحده، همراه با این واقعیت که خواهان پس از عزیمت از ایران در سال ۱۹۵۸ هیچگاه به ایران مراجعت نکرد، قویاً حکایت از آن دارد که وی تصمیم گرفته بود برای همیشه در ایالات متحده بماند. بنابراین، دیوان نتیجه می گیرد که سالهای اقامت خواهان در ایالات متحده قبل از کسب تابعیت امریکایی، آنچنان وی را جذب جامعه امریکا کرده بود که در هنگام کسب تابعیت ایالات متحده در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۵ فوریه ۱۹۸۰]، تابعیت غالب و موثر وی تابعیت امریکا بوده است.

چهارم - قرار

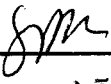
۲۰ - بنا به مراتب پیش گفته،

دیوان به شرح زیر قرار صادر می کند:

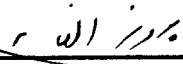
الف - از لحاظ صلاحیت دیوان، تابعیت غالب و موثر خواهان، ناهید (دانیال پور) همت، تابعیت ایالات متحده است.

- ب - مساله مربوط به تاریخ به وجود آمدن ادعاء به ماهیت دعوی منضم می شود.
- ج - برنامه زمانی تسلیم لوایح و مدارک در مورد کلیه موضوعات دیگر پرونده، طی دستور جداگانه ای تعیین خواهد شد.

لايه، به تاريخ ۲۰ مرداد ۱۳۶۸ برابر با ۲۴ ثوریه ۱۹۸۹


گایتانو آرانجیو - روئیتس
رئیس شعبه سه

به نام خدا


پرویز انصاری معین
نظر مخالف


ریچارد سی. الیسون